



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نكوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توره ربای خیمیل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توره

Ki Tavo

Listening and Law

قابل فهم است اگر تصور کنیم زبانی که فعل "دستور دادن" دارد، همچنین باید دارای فعل "پیروی کردن" باشد. یکی، دیگری را به دنبال دارد، مانند مفهوم پرسش که امکان پاسخ را به ذهن می آورد. اما شاید اشتباه کرده باشیم. در تورات ۶۱۳ دستور داریم، اما هیچ کلمه ای در زبان عبری توراتی به معنای "پیروی کردن" وجود ندارد. وقتی زبان عبری در قرن نوزدهم داشت به عنوان زبانی قابل گفتگوی روزمره احیا می شد، به ناچار کلمه *letsayet* از زبان آرامی وام گرفته شد. تا آن زمان، هیچ واژه عبری برای فعل "پیروی کردن" وجود نداشت.

این داده ای حیرت انگیز است که هیچ کس متوجه آن نبود و موجب شد که برخی از مسیحیان (و افراد سکولار) طبیعت یهودیت را درست درک نکنند: متفکران مسیحی اندکی به طور کامل مفهوم میصوا و این ایده که خدا می تواند خود را به شکل قانون پدیدار کند، ارج گذاشتند. همچنین، برخی از متفکران یهودی را نیز به اندیشیدن در مورد میصوا به صورتی واداشت که بیشتر به اسلام نزدیک بود تا به یهودیت (واژه اسلام یعنی "تسلیم شدن" به قانون خدا). تورات چه واژه ای را به عنوان پاسخ مناسب به یک میصوا به کار می برد؟ واژه "שמע".

ریشه ش-م-ع کلیدواژه ای است در سفر دواویم [تنیه]، که در آن ۹۲ بار تکرار می شود، همواره در معنای آنچه خدا از ما به عنوان پاسخ به دستورهای خود می خواهد. اما فعل ش-م-ع معناهای بسیاری دارد. برخی از معناهای آن در سفر پیدایش از این قرارند:

- ۱- "شنیدن" مانند: "ابراهیم شنید که خویشاوندش [لوط] به اسارت رفته بود." (پیدایش ۱۴:۱۴)
- ۲- "شنیدن، توجه کردن، متوجه شدن" مانند: "چون به حرف همسرت توجه کردی و میوه را از درخت خوردی" (پیدایش ۳:۱۷)؛ و "سپس راخل گفت: "خدا مرا پیروز کرده؛ او به التماس ما گوش داده و به من پسری داده است" (پیدایش ۳۰:۷).
- ۳- فهمیدن مانند: "اینک پایین برویم و زبان آنها را پریشان کنیم تا دیگر همدیگر را نفهمند" (پیدایش ۱۱:۷). سنت تلمودی همین گونه عبارت *Naaseh ve-nishma* را می فهمید (خروج ۲۴:۷) به این معنا که: "انجام خواهیم داد و سپس خواهیم فهمید".
- ۴- در معنای "مایل به پیروی کردن" مانند سخنان فرشته خدا به ابراهیم پس از بستن اسحق به قربانگاه: "از طریق فرزندان تو همه ملل روی زمین برکت خواهند یافت، زیرا مایل به پیروی از دستور من بودی (پیدایش ۲۲:۱۸)". این زمانی بود که ابراهیم نزدیک بود به دستور خدا عمل کند و در واپسین لحظه فرشته ای به او فرمان توقف داد.
- ۵- در قالب اعمال پاسخ دادن و انجام کاری که دیگری می خواهد، مانند "هر چه سارا به تو می گوید انجام بده" *sh'ma bekolah* (پیدایش ۲۱:۱۲).

در این معنای آخر است که فعل ش-م-ع بیشترین نزدیکی را به "پیروی کردن" می یابد. این که این فعل همه این معناها را دارد، نشان می دهد که در تورات هیچ مفهومی معادل پیروی کورکورانه وجود ندارد. در کل، یک فرمانده دستور می دهد و یک سرباز پیروی می کند. یک برده دار دستور می دهد و برده پیروی می کند. هیچ فرایند فکری در میان نیست، ارتباط میان کلام فرمانده و عمل فرمانبر، ارتباطی از نوع کنش و واکنش یا محرک و پاسخ به آن است. سرباز یا برده به دلایل عملی هیچ فکری از خودش ندارد. چنان که تنیسون رفتار سربازان پیش از دستور Light Brigade را این گونه توصیف می کند: "کار ما نیست پرسیدن دلیل؛ کار ما انجام دادن یا مردن است".

تورات این روش را برای بیان مناسبت میان خدا و ما در پیش نمی گیرد. خدا که ما را به تصویر و شباهت خود آفریده و آزادی و قدرت تفکر را به ما داده، از ما می خواهد که دستورهایش را درک کنیم. رالگب (گرشونید ۱۲۸۸-۱۳۴۴) استدلال می کند که این دقیقاً همان امری است که تورات را متفاوت می سازد:

بنگر که تورات ما در میان آموزه ها و ادیان دیگر ملل منحصر به فرد است، زیرا تورات ما هیچ چیزی دربر ندارد که از تعادل و عقل ریشه نگرفته باشد. بنابر این، این قانون الهی مردم را به سبب فضیلت ذاتی خود جذب می کند تا بر اساس آن رفتار کنند. قوانین و ادیان دیگر ملت ها مانند تورات نیستند: آنها مطابق تعادل و عقل نیستند، بلکه با طبیعت انسان بیگانه اند و مردم به سبب اجبار و ترس از تهدید مجازات از آنها پیروی می کنند و نه به سبب آموزه های آنها.¹

پژوهشگر مدرن، دیوید وایس هلیونی از "گرایش یهودیت به قوانین مُوجه" سخن می گوید و اینرا با دیگر فرهنگ های دوران باستان مقایسه می کند:

قوانین باستان در مجموع دستوری هستند و افراد را توجیه و متقاعد نمی کنند. روش آنها آمرانه، متوقعانه و حُکم دهنده هستند... قانون خاور نزدیک باستان به ویژه فاقد هر گونه میل به متقاعد ساختن یا تسخیر قلب های مردم است. این قانون بسیج می کند، تجویز می نماید، دستور می دهد و انتظار دارد که تنها به سبب آنکه حُکمی حکومتی است، اطاعت شود. کسانی که آنرا وضع کرده اند، به دنبال هیچ توافق جمعی (از راه توجیه) نیستند.²

تورات دستکم سه ابزار برای اثبات این امر دارد که قانون یهود همچون حکمی دلبخواه شکل نگرفته است. نخست، آنچه به ویژه در سفر دواریم برجسته است، آوردن دلایل دستورها است. اغلب، نه همیشه، دلیل، مربوط است به تجربه بنی اسرائیل در مصر. آنها می دانند که زیر ستم، غریب و فرد خارج از گروه بودن یعنی چه. از شما می خواهم که جامعه ای متفاوت خلق کنید که در آن هر کس یک روز در هفته آزاد باشد، تهیدستان گرسنه نمانند و ضعیفان از عدالت محروم نباشند.

¹ Gersonides, *Commentary to Va-etchanan*, par. 14.

² David Weiss Halivni, *Midrash, Mishnah, Gemara: the Jewish predilection for justified law*, Harvard University Press, 1986, 5.

دوم، به ویژه در سفر بمیدبار، روش همراه کردن روایت با قانون به کار می رود، چنان که گویی قانون با دانستن پیش زمینه تاریخی و تجربه بنی اسرائیل در سال های شکل گیری به عنوان یک ملت، بهتر فهمیده می شود. بنابر این، قانون گوساله قرمز - جهت طهارت پس از تماس با جسم مرده - درست پیش از درگذشت میریام و اهلون بیان می شود، چنان که می خواهد بگوید سوگواری و اندوه، مزاحم مناسبت ما با خدا می شود، اما برای همیشه ادامه نمی یابد. دوباره می توانیم پاک شویم. قانون صیصیت زمانی پس از داستان جاسوسان بیان می شود، زیرا (چنانکه در عهد و گفتگویی قبلی گفته ام) هر دو با روش های دیدن ارتباط دارند: تفاوت میان دیدن از روی ترس و دیدن از روی ایمان. سوم، ارتباط میان قانون و متافیزیک است. میان باب اول سفر پیدایش یعنی داستان آفرینش و قوانین کدوشا یا تقدس ارتباط هست. هر دو به تورات کوهنیم یا صدای کوهنیم وابسته هستند و هر دو به نظم و حفظ محدوده ها مربوطند. قوانین منع درهم آمیختن گوشت و شیر، پشم و کتان و غیره به احترام ساختار ژرف طبیعت که در باب آغازین تورات توصیف شده، ربط دارند. در طول سفر دواریم (تثیه) موسی با رسیدن به اوج راهبری خود به آموزگار تبدیل می شود و به نسل جدید که سرانجام سرزمین را فتح کرده، در آن ساکن خواهد شد، توضیح می دهد که قوانینی که خدا به آنها داده، تنها احکامی الهی نیستند. آنها از نظر انسانی نیز معنا دارند و معماری جامعه ای آزاد و عادلانه را ممکن می سازند. این قوانین به کرامت انسانی احترام می گذارند. آنها اصالت طبیعت را ارج می نهند و به زمین امکان استراحت و بازسازی می دهند؛ همچنین، اسرائیل را در برابر قوانینی که ملت ها را به سقوط و شکست می کشانند، محافظت می کنند.

آنها تنها با بازشناسی خدا همچون سرور خود می توانند از شر پادشاهان و فساد قدرت مصون بمانند. موسی بارها به قوم می گوید که اگر قوانین خدا را رعایت کنند، پیشرفت خواهند کرد. اگر چنین نکنند، گرفتار شکست و تبعید خواهند شد. همه اینها را می توان از دید ماوراءطبیعه فهمید، اما همچنین از دید طبیعت گرایی نیز قابل درک هستند. از این روی است که موسی به طور مداوم در سفر دواریم [تثیه] از فعل ش-م-ع استفاده می کند. او می خواهد که بنی اسرائیل از خدا پیروی کنند، اما نه کورکورانه یا فقط از روی ترس. خدا یک مستبد نیست. بنی اسرائیل باید از راه تجربه خود به این امر پی ببرند. آنها دیده اند که چگونه خداوند، آفریدگار آسمان ها و زمین، این مردم را همچون قوم خود برگزید، از خانه بردگی به آزادی رساند، در بیابان خوراک داد، محافظت کرد و بر دشمنانشان پیروز گرداند. خدا تورات را به بنی اسرائیل نه به خاطر خودش، بلکه به خاطر آنها اعطا کرد. به قول وایس هالیونی: تورات "از

دریافت کننده قانون دعوت می کند که به فهم تاثیر قانون برسد و از این راه به کرامت انسانی دست یابد و خود را شریک در قانون بداند.³

این است معنای سخنان درخشان موسی در پاراشای این هفته:

"ای بنی اسرائیل سکوت کنید و گوش بدهید! شما اینک تبدیل به قوم خداوند، خدای خود شده اید. به خداوند، خدای خود گوش بدهید و دستورها و احکام او را که امروز به شما می دهم، پیروی کنید. تثنیه ۹-۲۷:۱۰

نگه داشتن دستورها شامل کنش گوش دادن است و نه فقط اطاعت و پیروی کورکورانه - گوش دادن با تمام حواسی که درگیر می شود و با تفکر و تأمل در طبیعت خداوند در آفرینش، وحی و رستگاری. یعنی کوشش برای فهم محدوده ها و ناکاملی های ما همچون موجودات انسانی. یعنی به یاد داشتن این امر که برده بودن در مصر چه حسی داشت؟ نیازمند خاکساری، داشتن حافظه و شکرگزاری است. اما شامل تسلیم عقل و خرد یا خاموش کردن ذهن پرسشگر نیست.

خداوند نه یک ستمگر خود کامه، بلکه یک آموزگار است.⁴ او نه تنها از ما پیروی می خواهد، بلکه همچنین خواهان درک و فهم ماست. همه ملل قوانینی دارند که باید اطاعت شوند. اما ملل اندکی به غیر از ملت اسرائیل فهمیدن چرایی قوانین را مهمترین وظیفه خود می دانند. تورات از واژه شَمَع چنین منظوری دارد.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیرین دخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org f t @ @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved

³ Ibid., 14.

⁴ Tamhuma (Buber), Yitro, 16.